

## مطالعه و تحلیل نقش مایه انسانی بر روی قطعه‌ای سفالی از تپه بلوچ نیشابور

### چکیده

آثار برجای مانده از گذشته بشر، تصویری نارسا از زوایای مادی و معنوی زندگی او ارائه می‌دهد. بازسازی جنبه‌های ایدئولوژیکی و اعتقادی جوامع باستان براساس بقایای مادی کاریست بس دشوار، و نیازمند رویکردهای تفسیری، توجه به بسترهای ایدئولوژیکی و فکری جوامع در مقیاس زمانی و مکانی خود و تجزیه و تحلیل همه جانبه داده‌های مرتبط با این موضوعات است. از کاوش‌های محوطه نوسنگی بلوچ در بخش غربی دشت نیشابور، قطعه سفالی با نقوش انسانی به دست آمده که با توجه به مقیاس زمانی و مکانی آن منحصر بفرد است. اطلاعات ما از دوره نوسنگی در شمال شرق ایران، به ویژه خراسان، ناچیز است. شواهد به دست آمده از تپه بلوچ در زمینه تفکرات ایدئولوژیکی و بازسازی روند فکری جوامع نوسنگی در منطقه سفید باستان‌شناسی کشور که تصویر نه چندان روشنی از تحولات فرهنگی آن در دوران پیش از تاریخ در دسترس است، حائز اهمیت است. از طرف دیگر، این نقش مایه منحصر به فرد شناسایی شده بر روی قطعه سفالی مذکور و تجزیه و تحلیل آن به لحاظ سبک ترسیمی و جنبه‌های شمایل نگاشتی در دوره نوسنگی مورد توجه است. در نوشتار پیش رو سعی بر آن است تا با نگاهی به بسترهای تاریخی - فرهنگی دوره نوسنگی در خراسان ایران و با تحلیل داده‌های باستان‌شناسی و قوم‌شناسی و تحلیل مقایسه‌ای و طبقه‌بندی موضوعی نمونه‌های مشابه این نقوش سفالی در خاور نزدیک، به اطلاعات مبسوطی از جنبه‌های مادی و معنوی این اثر دست یافت.

### اهداف پژوهش:

۱. مطالعه تحلیلی - تطبیقی و طبقه‌بندی نقش انسانی تپه بلوچ در بستر زمانی و مکانی.
۲. استفاده از اطلاعات باستان‌شناختی و داده‌های قوم‌نگاری در راستای تبیین معنای مفهومی و ایدئولوژیکی نقش انسانی تپه بلوچ.

### سؤالات پژوهش:

۱. جنبه‌های مادی و معنوی متصور از این نقوش انسانی در مقیاس زمانی دوره نوسنگی چیست؟
  ۲. آیا این نقوش انسانی رقص مانند، تداوم سنت‌های بومی - محلی در طی چندین هزار سال را نشان می‌دهد؟
- کلیدواژه‌ها:** نیشابور، تپه بلوچ، نوسنگی، سفال، نقوش انسانی.

## مقدمه

در مسیر تغییر و تحولاتی که در طی هزاران سال بر ساختار زندگی بشر وارد شده، سفال، به‌عنوان یکی از دست ساخته‌های بشر، همواره متأثر از تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است. این تحولات را می‌توان علاوه بر تکنیک ساخت، در نقوش مختلف ایجاد شده بر آثار سفالی پیش از تاریخی ایران، از جمله نگاره‌های انسانی، مشاهده نمود. این نقوش انسانی در ارتباط با مسائل اجتماعی، اقتصادی و اعتقادی، در بُعد زمانی و مکانی خود قابل تفسیر و تحلیل هستند. گذر انسان از دوره پارینه سنگی به دوره نوسنگی، و تغییرات اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی ایجاد شده در این رهگذر، موجد نگرشی جدید در خلق آثار گردید. کشاورزی و گله‌داری منجر به استقرار و یکجانشینی و نوعی نظام اقتصادی و ثبات اجتماعی را باعث شد و تحت تأثیر این امر، ثبات اندیشه و تفکر معنوی انسان نیز دچار تحول و دگرگونی گردید. با توجه به یافته‌های مربوط به نقوش انسانی در دوران پیش از تاریخ، به نظر می‌رسد باورهای اعتقادی و ماوراءالطبیعه در دوران قدیمی‌تر (نوسنگی و مس‌سنگی) محور اصلی نقوش انسانی بوده که به تدریج در ادوار جدیدتر به سمت موضوعات روزمره کشیده شده و کم‌کم جنبه تزئینی به خود گرفته است.

استقرار بلوچ محوطه‌ای است در دشت نیشابور در شمال شرق ایران، در میان داده‌های سفالی به‌دست آمده از آن، یک قطعه سفال با نقش مشبک دو یا سه انسان به رنگ قهوه‌ای در زمینه نخودی شناسایی شده که براساس رهیافت مقایسه‌ای، به دوره نوسنگی متعلق است. با توجه به مدارک باستان‌شناختی موجود، نقش مایه مذکور یکی از نمونه‌های نادر عصر نوسنگی است که به لحاظ طرح موضوع، سبک نقوش و جنبه‌های شمایل‌نگاشتی در بستر زمانی و مکانی خود، در حوزه شمال شرق ایران نیز بسیار قابل توجه است.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که هرچند آثار متعددی به بررسی نقوش انسانی سفالهای نیشابور پرداخته‌اند اما تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. در پژوهش حاضر سعی شده است تا با تکیه بر شواهد موجود و با مطالعه موردی این نقشمایه و مقایسه آن با حوزه‌های مختلف فرهنگی ایران و خاور نزدیک به مسائل مرتبط با جنبه‌های احتمالی ایدئولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی آن در بستر زمانی و مکانی خود، پاسخ داده شود. همچنین ذکر این نکته ضروریست که عدم پیچیدگی و پیشرفتگی استقرارهای حوزه شمال شرق ایران، دلیل قابل اتکا و متقنی برای وجود نداشتن برخی داده‌های این چنینی نیست؛ بلکه باید سهم بیشتری را برای کمبود مطالعات باستان‌شناختی منسجم و فرآیندهای دگرگون‌ساز در این حوزه قائل شد.

## نتیجه‌گیری

وجود نقوش انسانی بر روی آثار سفالی دوره نوسنگی، بالاخص آغاز نوسنگی با سفال، به خودی خود منحصر به فرد است. از طرف دیگر شناسایی یک محوطه نوسنگی در منطقه سفید باستان شناسی ایران با چنین جنبه‌های پیچیده و مبهم فرهنگی خود سؤالات بسیاری را بر سر راه محققین قرار می‌دهد. همان‌طور که می‌دانیم مطالعات پیش از تاریخ در خراسان غربی در اول راه خود است. در ارتباط با دوره پارینه سنگی، بویژه روند انتقال از پارینه سنگی به نوسنگی هیچ‌گونه اطلاعاتی در دسترس نیست. جنبه‌های مختلف فرهنگی دوره نوسنگی در این حوزه شناخته شده نیست و

استقرار بلوچ تنها محوطه نوسنگی شناسایی شده در خراسان غربی است که مطالعات آن در مرحله مقدماتی خود بسر می‌برد. در زمینه مطالعه فرهنگ‌های عصر مس سنگی و مفرغ، نیز اطلاعات منسجم و همه‌جانبه‌ای در دسترس نیست. بدین ترتیب نمی‌توان به چگونگی روند تطوری فرهنگ‌های پیش از تاریخی در این حوزه پی برد و جنبه‌های مادی و معنوی آن را در بستر فرهنگی خود مطالعه و تجزیه و تحلیل کرد.

ظهور نقوش انسانی بر روی آثار سفالی از هزاره پنجم پیش از میلاد فراگیر شد؛ با آغاز هزاره پنجم پیش از میلاد تحولات عمده‌ای در زوایای مختلف زندگی بشر روی داد. این تحولات در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی تغییر نگرش در عقاید و تفکرات انسانی را به همراه داشته است. ظهور نقوش انسانی بصورت دسته جمعی و در حال انجام حرکات موزون و منظم (رقص) در بسیاری از محوطه‌های خاور نزدیک بویژه ایران از تحولات این دوره است (Garfinkel, ۲۰۰۳: ۸۵). با توجه به مطالعات انجام شده، در این دوره کشاورزی به شیوه آبیاری رواج داشته است. این امر نیازمند ایجاد گروه‌ها و اتحادیه‌هایی از کشاورزان به منظور ایجاد شبکه‌های آبیاری و مراقبت از محصولات کشاورزی بوده است. بدین ترتیب می‌توان نقوش مربوط به رقص دسته جمعی بر روی سفال‌های پیش از تاریخی (هزاره‌های پنجم و چهارم پ.م) را در ارتباط با گروه‌های کشاورزان مورد مطالعه قرار داد (Ibid). بدین ترتیب مشترکات موضوعی که در این نقوش در هزاره‌های پنجم و چهارم پ.م، در نقاط مختلف فلات ایران مشاهده می‌شود، تحت تأثیر اندیشه‌ای بوده که بدون در نظر گرفتن فاصله‌ها در مکان‌های مختلف ارزش و اعتبار خاصی داشته است. در جدول شماره ۲ برخی نمونه‌های شناسایی شده از نقوش انسانی در ایران با ذکر جزئیات آنها طبقه‌بندی شده است (جدول ۲).

نقش انسانی تپه بلوچ با توجه به مقیاس زمانی دوره نوسنگی (هزاره هشتم و هفتم پیش از میلاد) و در مقایسه با نقوش انسانی هزاره پنجم، یک نمونه شاخص می‌باشد که باید در بستر زمانی خود و در چارچوب تحولات دوره نوسنگی مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گیرد. آنچه مشخص است افراد حاضر در صحنه در حال انجام حرکاتی بسیار مهم و نمادین هستند که از نظر هنرمند سفالگر ارزش انعکاس بر روی ظرف سفالی را داشته است. احتمالاً در پس این نقوش جنبه‌هایی از مراسم آئینی و تفکرات ایدئولوژیکی یک جامعه ساده نوسنگی پنهان است. وجود ساختارهای آئینی و مذهبی احتمالی در این بافتار (ساختار سنگ چین با دو شاخ یک پستاندار وحشی) جنبه‌های ایدئولوژیکی نقش انسانی بلوچ را هر چه بیشتر تحکیم می‌کند.

داده‌های قوم نگارانه نیز نوعی رقص محلی خراسان با ریتم تند را همراه با تحرک بالا و جست و گریز نشان می‌دهد که فرم بدن و حرکات دست و پاها قابل مقایسه به نقوش انسانی تپه بلوچ می‌باشد. بهر حال انجام رقص یا مراسم آئینی دسته جمعی یا..... در دوره نوسنگی نشان دهنده ظهور اولین تعاملات اجتماعی در ساختار یک جامعه ساده را به نمایش می‌گذارد.

## فهرست منابع

### کتاب‌ها

طلایی، حسن. (۱۳۷۹). باستان‌شناسی و هنر هزاره اول پ.م، تهران: انتشارات سمت.  
گاراژیان، عمران. (۱۳۹۱). نیشابور قبل از شاپور، مقدمه‌ای برای ترجمه فارسی، در ویلکینسون، چارلز، نیشابور: برخی از بناهای اوایل اسلام و تزیینات آن‌ها، ترجمه شده توسط باکثیان.ج، مشهد: انتشارات مردیز.  
ملک شه‌میرزادی، صادق. (۱۳۸۲). ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، تهران: معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی.

### پایان‌نامه‌ها

صبوری، هادی. (۱۳۹۲). "بررسی فرآیندهای پس از نهشت شدن محوطه فریزی دشت سبزوار"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، منتشر نشده.  
گاراژیان، عمران. (۱۳۸۷). "فرآیند گذار از فرهنگ‌های مس-سنگی به دوره برنز در شرق شمالی ایران"، پایان‌نامه دکتری تخصصی باستان‌شناسی پیش از تاریخ، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه باستان‌شناسی.

### مقالات

گاراژیان، عمران. (۱۳۸۷b). "لایه نگاری در گمانه یک تپه برج نیشابور؛ رویکردی تفسیری"، مجله پیام باستان‌شناس، شماره دهم، صص ۱-۱۸.  
گاراژیان، عمران. (۱۳۹۰). "گزارش مقدماتی فصل اول گمانه زنی در تپه بلوچ نیشابور"، اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی خراسان رضوی، منتشر نشده.  
گاراژیان، عمران. (۱۳۹۱). "تغییر الگوها طی فرآیند انتقال از دوره مس سنگی به مفرغ در شرق شمالی ایران بر اساس مطالعات سفال"، در فهیمی، حمید و کریم علیزاده، نامورنامه، یک جلد در بزرگداشت دکتر مسعود آذرنوش، تهران، گنجینه هنر، صص ۶۰۹-۵۹۷.

Ackerman, P. (۱۹۶۷). *Symbol and Myth in Prehistoric Ceramic Ornament. A Survey of Persian Art* ۱۴:۲۹۱-۲۹۲۹. London and New York: Oxford University.

Collon, D. (۲۰۰۳). *Dance in Ancient Mesopotamia*, Source: Near Eastern Archaeology, Vol. ۶۶, No. ۳, *Dance in the Ancient World* (Sep., ۲۰۰۳), pp. ۹۶-۱۰۲.

Dunn-Vaturi. A.E. (۲۰۰۳). *Dancers in the Louvre: The Iranian and Cypriot Collections*, Near Eastern Archaeology, Vol. ۶۶, No. ۳, *Dance in the Ancient World* (Sep., ۲۰۰۳), pp. ۱۰۶-۱۱۰.

Gabbay. U. (۲۰۰۳). *Dance in Textual Sources from Ancient Mesopotamia*, Near Eastern Archaeology, Vol. ۶۶, No. ۳, *Dance in the Ancient World* (Sep., ۲۰۰۳), pp. ۱۰۳-۱۰۵.

Garfinkel. Y. (۲۰۰۳). *The Earliest Dancing Scene in The Near East*, Near Eastern Archaeology, Vol. ۶۶, No. ۳, pp. ۸۴-۱۰۴.

Garazhian O. (۲۰۱۳). *Recent Excavations at Tapeh Baluch (Baluch Mound): a Neolithic Site in*

*Neyshabur Plain, NE Iran. Neo-Lithics* ۲/۱۲: ۲۰-۳۱.

Garfinkel. Y. (۲۰۰۳). *Dancing at the dawn of agriculture*, University of Texas Press, First edition.

Garstang, J., W. J. (۱۹۳۷). *Phythian-Adams, and V. Seton-Williams. ۱۹۳۷. Third Report on the Excavations at Sakji-Geuzi ۱۹۰۸-۱۹۱۱. Liverpool Annals of Archaeology and Anthropology* ۲۴:۱۱۹-۱۴۰.

Mellaart. (1963). Excavations at Catal Huyuk, 1962: Second Preliminary Report. *Anatolian Studies* 13:43-103.

Tobler, A. J. (1960). Excavations at Tepe Gawra, Vol. II. Philadelphia: University of Pennsylvania.